

سیدعلی خامنه‌ای رفت اما بحران‌های جامعه ایران و جمهوری اسلامی ایران سر جایش است!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

در صبح یکشنبه اول مارس ۲۰۲۶ (۱۰ اسفند ۱۴۰۴)، حملات سنگین مشترک آمریکا و اسرائیل به ایران ادامه یافت و موج جدیدی از عملیات هوایی علیه اهداف نظامی و امنیتی در تهران و سایر نقاط کشور انجام شد. ستاد مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مورد حمله هوایی قرار گرفت و گزارش‌ها حاکی از کشته شدن عبدالرحیم موسوی (رییس ستاد کل نیروهای مسلح) و عزیز نصیرزاده (وزیر دفاع) است؛ همزمان انفجارهای شدیدی در میدان سیلان تهران و میدان سپاه گزارش شد که منجر به دود غلیظ و خسارت گسترده در شرق و مرکز پایتخت گردید. صدای اصابت و چند انفجار نیز در شمال تهران در مناطق ولنجک، ونک و سیدخندان شنیده شد و ایرنا از انفجارهای مهیب ناشی از حمله موشکی و هوایی در محدوده سیدخندان، چهارراه قصر، میدان ونک و خیابان مطهری خبر داد. حملات به نزدیکی ساختمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی در تهران رسید، فرودگاه مشهد هدف قرار گرفت، دود بلند ناشی از انفجار در حوالی بوشهر مشاهده شد و مقر «امام صادق» سپاه نیز مورد حمله پدافندی قرار گرفت. این عملیات نشان‌دهنده تشدید تلاش‌ها برای تضعیف ساختار فرماندهی و نظامی ایران پس از کشته شدن آیت‌الله خامنه‌ای در روز قبل است.

علی خامنه‌ای از سال ۱۳۶۸ و پس از مرگ روح‌الله خمینی به‌عنوان رهبر جمهوری اسلامی منتخب شد و ۳۶ سال رهبری او از تاریک‌ترین دوره‌های تاریخ ایران به شمار می‌رود.



ایران بیش از ۳۰۰ موشک و پهپاد به سوی اهداف منطقه‌ای شلیک کرد که بخش زیادی رهگیری شد. در اسرائیل آژیرها در تل‌آویو، حیفا و اورشلیم به صدا درآمد و یک زن کشته و ۱۷ نفر زخمی شدند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از آغاز موج پنجم عملیات «وعده صادق ۴» خبر داد. گزارش‌هایی از انفجار در امارات متحده عربی، قطر، بحرین، اردن، عربستان سعودی و عراق منتشر شده و این گزارش‌ها هم‌چنان ادامه دارد.

حملات به شهرهای متعدد از جمله تهران، قم، تبریز، اصفهان، کرمانشاه، شیراز، جزیره خارگ و کنارک گسترش یافت. اهداف شامل مراکز حکومتی، نظامی و زیرساخت‌های انرژی بود. موج نخست با موشک‌های کروز تاماهاک از دریای عمان انجام شد و حملات سایبری نیز زیرساخت‌های فرماندهی و انرژی را هدف گرفت.

شش ماه پس از درگیری ۱۲ روزه در ژوئن، نیروهای آمریکا و اسرائیل یک عملیات مشترک انجام داده و اهداف حکومتی و نظامی در ایران را هدف قرار داده‌اند. ساعاتی پس از آن که دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا، اعلام کرد علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، در حملات هوایی آمریکا و اسرائیل کشته شده است، تلویزیون دولتی ایران بامداد یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۴، مرگ او را تایید کرد.

خبرگزاری‌های رسمی جمهوری اسلامی، از جمله فارس، گزارش دادند که علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در ساعات اولیه صبح شنبه نهم اسفند ۱۴۰۴ در محل کار خود در بیت رهبری هدف حمله قرار گرفت و در پی آن کشته شد.

جزئیات بیشتری در رابطه با حمله یا نحوه کشته شدن او منتشر نشده است. منابع حکومتی اعلام کردند که در زمان وقوع این حمله، خامنه‌ای در حال انجام وظایف خود و در دفتر کارشان بوده است. هم‌چنین خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، اعلام کرد علی شمخانی، دبیر شورای دفاع و محمد پاکپور، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم در حملات مشترک اسرائیل و آمریکا کشته شدند.

شورای عالی امنیت ملی ایران به‌طور رسمی تایید کرد که رهبر جمهوری اسلامی در حملات هوایی مشترک آمریکا و اسرائیل کشته شده است. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز اعلام کرد که به‌مدت ۴۰ روز عزای ملی اعلام کرده و به مدت ۷ روز تعطیلی عمومی در کشور برقرار خواهد شد.



خامنه‌ای زیر آوار

تلویزیون جمهوری اسلامی سرانجام پس از نزدیک به ۲۰ ساعت، کشته‌شدن رهبر جمهوری اسلامی در حمله صبح شنبه ۹ اسفندماه ۱۴۰۴ را تایید کرد. محل زندگی و دفتر علی خامنه‌ای، ۸۶ ساله، معروف به «بیت رهبری» در خیابان پاستور تهران از نخستین اهداف حملات پیش از ظهر ۹ اسفند اسرائیل و ایالات متحده به ایران بود.

شورای عالی امنیت ملی ایران اعلام کرد که نیروهای مسلح در واکنش به حملات هوایی آمریکا و اسرائیل، عملیات متقابل را آغاز کرده‌اند. در بیانیه آمده است که این حملات ممکن است در تهران و برخی شهرهای دیگر ادامه یابد و از مردم خواسته شده با حفظ آرامش، در صورت امکان به مناطق امن‌تر بروند. دولت تاکید کرده که تامین مایحتاج عمومی برقرار است و ازدحام در مراکز خرید پرهیز شود. همچنین مدارس و دانشگاه‌ها تا اطلاع ثانوی تعطیل هستند، بانک‌ها به ارائه خدمات ادامه می‌دهند و ادارات دولتی با ۵۰ درصد ظرفیت فعالیت خواهند کرد.

سطح بالای هماهنگی عملیاتی و اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل برای کشتن خامنه‌ای

روزنامه نیویورک‌تایمز، گزارش داد عملیات منجر به کشته‌شدن علی خامنه‌ای، دیکتاتور تهران و دیگر مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی، به دنبال همکاری اطلاعاتی نزدیک میان آمریکا و اسرائیل انجام گرفت.

بر اساس این گزارش که یک‌شنبه ۱۰ اسفند منتشر شد، سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) طی ماه‌ها خامنه‌ای را زیر نظر داشت و به تدریج به شناخت دقیق‌تری از محل اقامت و الگوی تردد او رسیده بود.

سازمان سیا دریافت که صبح شنبه ۹ اسفند جلسه‌ای با حضور مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی در یکی از مجموعه‌های وابسته به خامنه‌ای در مرکز تهران برگزار خواهد شد. از همه مهم‌تر آن که دیکتاتور تهران نیز در آن محل حضور خواهد داشت.

به گفته منابع آگاه، ایالات متحده و اسرائیل در ابتدا قرار بود عملیات علیه جمهوری اسلامی را شبانه انجام دهند، اما زمان آن را به صبح تغییر دادند تا از داده‌های اطلاعاتی جدید حداکثر استفاده را ببرند.

این اطلاعات پنجره‌ای راهبردی برای دو کشور گشود تا در همان مراحل ابتدایی به هدفی تعیین‌کننده دست یابند: از میان برداشتن مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی و کشتن خامنه‌ای.

دونالد ترامپ، رییس‌جمهوری آمریکا، شامگاه ۹ اسفند در پیامی تایید کرد خامنه‌ای، «یکی از شرورترین افراد تاریخ»، کشته شده است.

ترامپ افزود مرگ او «عدالت برای مردم ایران و برای آمریکایی‌هایی است که به دست او و افرادش کشته‌اند.»

نیویورک‌تایمز در ادامه نوشت سرعت کم‌سابقه در حذف رهبر جمهوری اسلامی بیانگر سطح بالای هماهنگی عملیاتی و اطلاعاتی میان آمریکا و اسرائیل در آستانه حمله بود.

این عملیات نشان داد دو کشور، به‌ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه، به درک عمیق و جزئی‌تری از ساختار و تحرکات رهبری حکومت ایران رسیده بودند.

این رویداد همچنین آشکار کرد مقام‌های جمهوری اسلامی، با وجود نشان‌های علنی آماده‌سازی آمریکا و اسرائیل برای جنگ، تدابیر حفاظتی کافی برای جلوگیری از افشای موقعیت خود اتخاذ نکرده بودند.

به گزارش نیویورک‌تایمز، سیا اطلاعات مربوط به محل حضور خامنه‌ای را به اسرائیل منتقل کرد و اسرائیل با تکیه بر این داده‌ها و اطلاعات مستقل خود، عملیاتی را به اجرا گذاشت که از ماه‌ها پیش برای آن برنامه‌ریزی کرده بود: ترور هدفمند مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی.

نیویورک‌تایمز در ادامه نوشت مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی قرار بود در مجموعه‌ای دیدار کنند که دفتر ریاست‌جمهوری، دفتر خامنه‌ای و شورای عالی امنیت ملی در آن مستقر است.

اسرائیل به این جمع‌بندی رسیده بود که در این نشست، مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی حضور خواهند داشت؛ از جمله محمد پاکپور، فرمانده کل سپاه پاسداران، عزیز نصیرزاده، وزیر دفاع، علی شمخانی، دبیر شورای دفاع، مجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه، محمد شیرازی، رییس دفتر نظامی خامنه‌ای. عملیات حدود ساعت ۶ صبح به وقت اسرائیل با برخاستن جنگنده‌ها از پایگاه‌هایشان آغاز شد. در این حمله از شمار محدودی هواپیما استفاده شد که به مهمات دوربرد و دقیق مجهز بودند.

دو ساعت و پنج دقیقه پس از برخاستن جنگنده‌ها، حدود ساعت ۹:۴۰ صبح به وقت تهران، موشک‌های دوربرد به آن مجموعه اصابت کردند. هنگام حمله، مقام‌های ارشد امنیتی جمهوری اسلامی در یکی از ساختمان‌های این مجموعه حضور داشتند و خامنه‌ای در ساختمانی دیگر در همان نزدیکی بود. نیویورک‌تایمز به نقل از منابع آگاه، این عملیات را حاصل «اطلاعات دقیق و ماه‌ها برنامه‌ریزی» توصیف کرد و نوشت اسرائیل توانست در این حمله به «غافلگیری تاکتیکی» دست یابد.

ترامپ پیش‌تر در جریان جنگ ۱۲ روزه اعلام کرده بود ایالات متحده از محل اختفای خامنه‌ای آگاه است و می‌تواند او را از میان بردارد. یک مقام پیشین آمریکایی در همین رابطه گفت آن داده‌ها بر همان شبکه اطلاعاتی استوار بود که آمریکا در عملیات اخیر نیز از آن استفاده کرد. روزنامه وال‌استریت ژورنال نیز در گزارشی به جزئیات طرح مشترک اسرائیل و آمریکا برای هدف قرار دادن هم‌زمان مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی و علی خامنه‌ای پرداخت و نوشت جنگنده‌های اسرائیلی ۳۰ بمب بر مجموعه محل اقامت او فروریختند.

به نوشته این روزنامه، مقام‌های اطلاعاتی اسرائیل و آمریکا مدت‌ها در انتظار برگزاری نشست مشترک رهبران ارشد سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی بودند تا بتوانند آن‌ها را به‌طور هم‌زمان هدف قرار دهند. مقام‌های اسرائیلی گفته‌اند نیروهای اطلاعاتی سرانجام روز شنبه سه نشست را شناسایی کردند و محل حضور خامنه‌ای نیز مشخص شد.

وال‌استریت ژورنال افزود این فرصت «منحصربه‌فرد» تلقی شد و به همین دلیل حمله در روشنای روز انجام گرفت. به گفته منابع آمریکایی، واشینگتن اطلاعاتی در اختیار داشت که نشان می‌داد جمهوری اسلامی پیش از صدور دستور حمله از سوی ترامپ در حال بررسی اقدام علیه اهداف آمریکایی بوده و همین موضوع به تصمیم رییس‌جمهوری آمریکا فوریت بیش‌تری داده است.

بر اساس این گزارش، عملیات اندکی پیش از ساعت ۱۰ صبح به وقت ایران با موج گسترده‌ای از موشک‌ها و جنگنده‌ها آغاز شد و تا عصر، حدود ۲۰۰ جنگنده اسرائیلی نزدیک به ۵۰۰ هدف را مورد حمله قرار دادند؛ عملیاتی که ارتش اسرائیل آن را بزرگ‌ترین کارزار هوایی در تاریخ این کشور توصیف کرده است.

بنابه گزارش‌ها، در زمان تصمیم‌گیری ترامپ برای حمله به ایران، استیو ویتکاف و جرد کوشنر در حال مذاکره با مقام‌های ایرانی در ژنو بودند. این مذاکرات سه دور از فوریه ادامه داشت اما به گفته یک مقام ارشد دولت ترامپ، تیم آمریکایی به این نتیجه رسید تهران قصد حفظ توان غنی‌سازی برای استفاده بالقوه در ساخت سلاح هسته‌ای را دارد. در همین حال ترامپ در تجمعی در تگزاس اعلام کرد «تصمیم بزرگی» در پیش دارد و از مذاکرات ابراز نارضایتی کرد.

ترامپ در سخنرانی اعلام حمله، این اقدام را «پاسخ به دهه‌ها خصومت ایران» توصیف کرد و به گروگان‌گیری ۵۲ آمریکایی در ۱۹۷۹، کشته‌شدن ۲۴۱ نظامی آمریکایی در بیروت در ۱۹۸۳ و حمله ۲۰۰۰ به ناوشکن یواس‌اس کول اشاره کرد. او همچنین مدعی شد حکومت ایران تهدیدی «قریب‌الوقوع» بوده و در مسیر تولید سلاح هسته‌ای و موشک‌های دوربرد است که می‌تواند به خاک آمریکا برسند.

به نوشته واشینگتن‌پست این ادعاها با چالش روبه‌رو شده است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرده نشانه‌ای از سرگیری برنامه فعال ساخت بمب وجود ندارد و ارزیابی پیشین آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا نیز نشان می‌داد توسعه موشک قاره‌پیما در صورت آغاز، حدود یک دهه زمان می‌برد. خود ترامپ پیش‌تر گفته بود حملات تابستان گذشته برنامه هسته‌ای ایران را «ناپود» کرده است.

ترامپ تأکید کرده نیروهای زمینی آمریکا وارد ایران نخواهند شد و عملیات عمدتاً هوایی و موشکی خواهد بود؛ رویکردی متفاوت با حمله ۲۰۰۳ به عراق که با حضور گسترده نیروهای زمینی و مدیریت مستقیم انتقال قدرت همراه بود. با این حال کارشناسانی مانند آرون دیوید میلر هشدار داده‌اند تغییر بنیادین ساختار سیاسی یک کشور صرفاً از طریق قدرت هوایی سابقه موفقی ندارد.

به نوشته این روزنامه، در کنگره، دموکرات‌ها از ترامپ خواسته‌اند ماهیت «تهدید قریب‌الوقوع» را توضیح دهد. سناتور مارک وارنر پس از جلسه توجیهی محرمانه با مارکو رابینو و جان رتکلیف گفت تهدیدی ندیده که «به‌طور واقعی اعزام نیروها را توجیه کند».

پس از آغاز حمله، حکومت ایران به عربستان پاسخ داد و ریاض در بیانیه‌ای خشمگین خواستار اقدام قاطع جامعه بین‌المللی شد. اکنون پرسش اصلی آینده عملیات است. ترامپ گفته امیدوار است نیروهای امنیتی حکومت ایران با «میهن‌پرستان ایرانی» همراه شوند و وعده داده بمباران‌های «سنگین و دقیق» تا تحقق هدف «صلح در خاورمیانه و جهان» ادامه یابد.

به نوشته واشینگتن‌پست، ترامپ اکنون ریسک بزرگی را پذیرفته است: این که آیا یک کارزار گسترده هوایی می‌تواند به اهداف سیاسی از جمله تغییر رژیم یا ایجاد دولتی همسو با آمریکا منجر شود یا نه؛ هدفی که حتی در خوش‌بینانه‌ترین سناریوها نیز با عدم قطعیت‌های جدی روبه‌روست.



حمله به مراکز حاکمیتی و زیرساخت‌های حیاتی و تلاش بر ترور مقامات

حملات هماهنگ آمریکا و اسرائیل طی یک عملیات گسترده، مناطق مختلف ایران را هدف قرار دادند. این حملات نه تنها زیرساخت‌های نظامی بلکه قلب ساختار حاکمیتی و گره‌های حیاتی انرژی و فرماندهی کشور را نشانه گرفته‌اند.

در تهران، مناطق اطراف خیابان پاستور و خیابان کشوردوست که شامل بیت رهبری و نهاد ریاست جمهوری است، هدف اصابت موشک قرار گرفت. هم‌زمان، مراکز نظامی و لجستیکی در قم، تبریز، کرج، اصفهان، کرمانشاه و خرم‌آباد نیز مورد حمله قرار گرفتند.

علاوه بر مناطق شهری، نقاط استراتژیک انرژی و دریایی مانند جزیره خارگ و بندر کنارک در جنوب شرق کشور هدف حملات قرار گرفتند تا زیرساخت‌های صادرات نفت و قابلیت‌های نظامی ایران تحت فشار قرار گیرد. همچنین صداهای انفجار در دزفول، اندیمشک، نهاوند و مناطق دیگر گزارش شده است.

این عملیات شامل حملات سایبری گسترده نیز بود که سامانه‌های فرماندهی، ارتباطات و پدافند هوایی ایران را مختل کرده است. هم‌زمانی حملات هوایی، موشکی و سایبری نشان‌دهنده اجرای یک جنگ ترکیبی با هدف کاهش توان دفاعی و تضعیف ساختار سیاسی و نظامی ایران است. گستره جغرافیایی و نوع اهداف، نشان می‌دهد این اقدام بیش از یک حمله محدود، یک فشار راهبردی گسترده است.

در عین حال در میانه نهم اسفند در اطلاعیه‌ای جداگانه شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران اعلام کرده است که تأمین و توزیع سوخت در تمامی جایگاه‌ها کشور به صورت پایدار و بی‌وقفه در حال انجام است.

روزنامه نیویورک‌تایمز به نقل از مقام‌های آمریکایی گزارش داده است که حملات کنونی آمریکا عمدتاً بر دستگاه نظامی ایران متمرکز است. هم‌زمان، این روزنامه به نقل از مقام‌های اسرائیلی تأکید کرده است که اهداف حملات مشترک شامل «شخصیت‌های برجسته» در ایران نیز می‌شود.

در همین حال، رسانه‌های دولتی ایران از وقوع حملات موشکی در قلب ساختار سیاسی کشور خبر داده‌اند. خبرگزاری دولتی فارس گزارش داد که دست‌کم هفت موشک به محدوده خیابان کشوردوست و خیابان پاستور در تهران اصابت کرده است؛ منطقه‌ای که بیت رهبری و نهاد ریاست جمهوری در آن واقع شده‌اند. بنا به گزارش‌های مردمی، دود غلیظی از حوالی پاستور به هوا برخاسته است. تصاویری از انفجار در سه راه ضرابخانه در حوالی خیابان شریعتی تهران نیز منتشر شده است.

محل سکونت محمود احمدی‌نژاد در منطقه نارمک تهران نیز هدف حمله قرار گرفته است که در نتیجه آن سه محافظ او کشته شده‌اند. رسانه‌های اسرائیلی هم‌چنین از کشته شدن عزیز نصیرزاده وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران و محمد پاکپور، فرمانده کل سپاه پاسداران خبر داده‌اند؛ خبری که رسانه‌های مستقل آن را تایید نکرده‌اند.

عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، ادعا کرده بود «تقریباً» همه مقام‌های رسمی کشور زنده، سالم و در مکان امن هستند.

حمله به یک مدرسه در میناب و کشته شدن ده‌ها دانش‌آموز

در پی حملات موشکی اسرائیل و آمریکا در صبح ۹ اسفند ۱۴۰۴، ده‌ها دانش‌آموز در ایران کشته شدند. بنا بر گزارش خبرگزاری تسنیم به نقل از معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار هرمزگان، یک دبستان دخترانه به نام «شجره طیبه» در شهرستان میناب - دومین شهر بزرگ استان هرمزگان در ۱۱۲ کیلومتری شرق بندرعباس - به طور مستقیم هدف قرار گرفت. این مدرسه در شیف صبح ۱۷۰ دانش‌آموز داشته که تاکنون کشته شدن ۱۰۰ نفر از آنان تأیید شده و عملیات آواربرداری و امدادرسانی هم‌چنان ادامه دارد.

حسین کرمانپور، سخنگوی وزارت بهداشت، نیز کشته شدن دانش‌آموزان را تأیید کرده و گفته است در مجموع حدود ۴۸ نفر دیگر در این حملات مجروح شده‌اند. هم‌زمان رسانه‌های دولتی از کشته شدن یک دانش‌آموز در حمله به مدرسه‌ای در شهرستان آبیگ در استان قزوین و مجروح شدن دو دانش‌آموز دیگر

خبر داده‌اند. هم‌چنین گزارش شده دو دانش‌آموز مدرسه هدایت در میدان ۷۲ نارمک تهران جان باخته‌اند و تعدادی از مصدومان مناطق جنوبی تهران که زیر آوار مانده بودند، به بیمارستان‌ها منتقل شده‌اند.

گسترش سریع بحران منطقه‌ای: انفجارها در اسرائیل

ایران بلافاصله پاسخ موشکی متقابل داده و در چندین کشور منطقه از جمله اسرائیل، اردن، امارات، بحرین، عربستان، کویت صدای انفجارها گزارش شده است. در اورشلیم، تل‌آویو، حیفا و مناطق مرکزی اسرائیل صدای انفجار و آذیرهای خطر به گوش رسیده و سامانه‌های دفاعی برای رهگیری موشک‌ها فعال شده‌اند. در جنوب لبنان و منطقه بقاع، تلاش‌های سامانه‌های دفاعی اسرائیل برای رهگیری موشک‌های ایرانی، انفجارهایی را ایجاد کرده که فضای هوایی چندین کشور منطقه را تحت تاثیر قرار داده است.

گزارش‌ها حاکی از حمله به پایگاه آمریکایی الفجیر در بحرین و شلیک موشک‌های ایران به سمت قطر است که سامانه‌های پاتریوت این کشور آن‌ها را رهگیری کرده‌اند. هم‌زمان، امارات حریم هوایی خود را بسته و سوریه بخش‌هایی از آسمان خود را محدود کرده است.

در حمله هوایی به جنوب بغداد، دست کم دو نفر از نیروهای حشد شعبی عراق کشته و سه نفر دیگر زخمی شدند. این حملات هم‌زمان با حمله ایران گزارش شده و پس از آن، حداقل چهار انفجار در منطقه جرف صخر عراق رخ داد. سخنگوی حشد شعبی اعلام کرده که جستجو برای یافتن تلفات احتمالی دیگر ادامه دارد. این می‌تواند به عنوان حمله به نیروهای نیابتی و هم‌به‌عنوان عاملی در افزایش تنش‌های منطقه‌ای تعبیر شود.

در واکنش فوری، ارتش اسرائیل آذیرهای هشدار را در سراسر این کشور به صدا درآورد، وضعیت اضطراری اعلام شد، حریم هوایی بسته گردید، مدارس و اماکن عمومی تعطیل شدند و شهروندان به پناهگاه‌ها هدایت شدند. این اقدامات به عنوان آمادگی برای پاسخ احتمالی ایران با موشک و پهپاد گزارش شده است. روزنامه تایمز اسرائیل به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داده است که ایالات متحده در حملات صبح امروز علیه ایران، در کنار اسرائیل مشارکت داشته است. با این حال، دولت ایالات متحده تاکنون به طور رسمی این موضوع را تأیید نکرده است.

هم‌زمان، سفارت ایالات متحده در قطر نیز با صدور دستور «پناهگیری در محل» برای تمامی کارکنان خود، از شهروندان آمریکایی خواسته است تا اطلاع ثانوی این دستورالعمل را رعایت کنند.

واکنش موشکی ایران، در مقایسه با جنگ موسوم به «جنگ دوازده‌روزه»، با سرعت بیش‌تری انجام شده است. در آن جنگ، جمهوری اسلامی پس از غافلگیری اولیه، ده‌ها ساعت زمان نیاز داشت تا پاسخ نظامی خود را سازمان‌دهی کند، اما در تحولات کنونی، پاسخ موشکی ظرف مدت کوتاهی پس از آغاز موج دوم حملات انجام شده است.

گزارش‌ها از شنیده شدن انفجارها در شهرهای مختلف اسرائیل، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، کویت، بحرین و لبنان، فعال شدن سامانه‌های دفاعی در خلیج فارس، و بسته شدن حریم هوایی در بخش‌هایی از منطقه حکایت دارد. دامنه حملات همچنین از مراکز نظامی، پایگاه‌های موشکی و زیرساخت‌های حاکمیتی در داخل ایران فراتر رفته و اهداف و نیروهای همسو با ایران در منطقه را نیز در بر گرفته است؛ از جمله حمله به پایگاه جرف‌النصر در جنوب عراق، محل استقرار نیروهای حشد الشعبی و گروه کتائب حزب‌الله.

بر اساس گزارش‌ها کنسولگری آمریکا در اربیل، پایتخت اقلیم کردستان عراق، نیز هدف حمله قرار گرفته است. طبق خبرگزاری رسمی سوریه، سانا، نیز اعلام کرده است که در پی سقوط یک موشک ایرانی بر ساختمانی در منطقه صنعتی شهر سویدا، در جنوب سوریه و در نزدیکی مرز اسرائیل، چهار نفر کشته شدند.

جنگ ۱۲ روزه؛ رویارویی مستقیم با اسرائیل و تغییر دکترین نظامی

در آخرین سال رهبری علی خامنه‌ای، تنش‌های دیرینه میان ایران و اسرائیل به یک رویارویی مستقیم و بی‌سابقه تبدیل شد. پس از مجموعه‌ای از حملات متقابل، در اسفند ماه ۱۴۰۴، جنگی ۱۲ روزه درگرفت که طی آن برای نخستین بار جبهه‌های نبرد از نیروهای نیابتی به شلیک مستقیم موشک‌ها و پهپادها از خاک ایران به سوی اسرائیل و حملات هوایی گسترده اسرائیل به زیرساخت‌های حیاتی ایران تغییر یافت.

علی خامنه‌ای در جریان این جنگ، با خروج از سیاست «صبر استراتژیک»، شخصا فرمان عملیات‌های مستقیم را صادر کرد. اگرچه این جنگ با میانجی‌گری‌های بین‌المللی پس از ۱۲ روز به آتش‌بسی شکسته منجر شد، اما تبعات اقتصادی آن از جمله سقوط بی‌سابقه ارزش ریال و تخریب بخشی از تاسیسات انرژی، فشار معیشتی بر مردم را به اوج رساند. این نبرد همچنین نفوذ نهادهای نظامی را در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور به صد درصد رساند و عملاً دولت وقت را به مجری فرامین ستاد کل نیروهای مسلح تبدیل کرد.

خامنه‌ای نفر اول و قدر قدرت جمهوری اسلامی بود

«خدای متعال همین‌طور حرف می‌زد. در واقع زبان من بود، حرف خدا بود.»

این گفته‌ها را «سیدعلی خامنه‌ای» رهبر سابق جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۲ عنوان کرد. او اکنون دیگر نه زبان خداست و نه رهبر جمهوری اسلامی. او نه پرچم اسلام را به امام زمان داد و نه توانست تمدن نوین اسلامی بسازد. در دروه رهبری ۳۷ ساله او بسیاری برای رهبر ماندنش خون گریستند، احتمالاً حالا از نبودنش خوشحالند و در خیابان‌ها شادی می‌کنند؛ شادی برای کشته‌شدن دیکتاتوری ۸۶ ساله که روز ۹ اسفند، در نتیجه حملات مشترک آمریکا و اسرائیل به بیتش، جان باخت.

به‌نظر من جایی برای شادی از کشته‌شدن این دیکتاتور وجود ندارد چرا که او اگر توسط مخالفین حکومت دستگیر و محاکمه می‌شد و تمامی اهداف پشت پرده سیاست‌های جنایت‌کارانه او و تیمش برای مردم علنی می‌شد آن موقع مردم بیش‌تر خوشحال می‌شدند. اکنون گفته می‌شود او مانند «قهرمان» در مقابل جنگ و دشمنان خارجی ایستاد و به اصطلاح «شهید» شد.

خامنه‌ای در آخرین صحبت‌هایش مردم معترض ایران را «اغتشاشگر»، «پیاده‌نظام آمریکا» یا حتی «تروریست آموزش‌دیده» خوانده بود و با این سخنان و دستور سرکوب، هزاران نفر از مردم را در اعتراضات دی ماه به کام مرگ کشانده بود. حالا برخی در میان ناباوری و خوشحالی از نبودنش می‌گویند و می‌نویسند. علی خامنه‌ای در سال ۱۳۱۸ در مشهد و در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد. او تحصیلات حوزوی خود را در مشهد آغاز کرد و سپس در نجف و قم ادامه داد. در قم از شاگردان روح‌الله خمینی شد و به جریان روحانیت سیاسی مخالف حکومت پهلوی پیوست. فعالیت‌های سیاسی او پیش از انقلاب ۱۳۵۷ چندین بار به بازداشت و تبعید انجامید.

پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، خامنه‌ای به سرعت وارد ساختار قدرت شد. او عضو شورای انقلاب، نماینده خمینی در شورای عالی دفاع و در مقاطعی سرپرست وزارت دفاع بود. همچنین به عنوان امام جمعه تهران منصوب شد؛ جایگاهی که نقش مهمی در تثبیت موقعیت سیاسی او داشت.

در سال ۱۳۶۰، در شرایطی پرتنش و هم‌زمان با جنگ ایران و عراق، به ریاست‌جمهوری رسید و دو دوره تا سال ۱۳۶۸ در این سمت باقی ماند. چند ماه پیش از نخستین انتخابات ریاست‌جمهوری‌اش، در یک سوءقصد بمب‌گذاری به‌شدت مجروح شد که به فلج‌شدن دائمی بازوی راستش انجامید.

انتخاب به رهبری و تمرکز قدرت

پس از درگذشت روح‌الله خمینی در سال ۱۳۶۸، مجلس خبرگان رهبری او را به عنوان دومین رهبر جمهوری اسلامی برگزید؛ انتخابی که در زمان خود بحث‌برانگیز بود، زیرا خامنه‌ای در آن مقطع مرجع تقلید محسوب نمی‌شد و از نظر جایگاه فقهی در سطح رهبر پیشین قرار نداشت.

با آغاز رهبری، او به تدریج ساختار قدرت را بیش از پیش متمرکز کرد و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به ستون اصلی نظام سیاسی و امنیتی کشور تبدیل نمود. در دوران او، نقش سپاه از یک نیروی نظامی صرف فراتر رفت و به بازیگری تعیین‌کننده در سیاست، اقتصاد و امنیت منطقه‌ای تبدیل شد. بر اساس ساختار قانون اساسی جمهوری اسلامی، رهبر عالی‌ترین مقام کشور است و خامنه‌ای در عمل بر نیروهای مسلح و سپاه پاسداران، قوه قضائیه، شورای نگهبان، رسانه‌های دولتی و سیاست‌های کلان اقتصادی، از جمله نحوه هزینه‌کرد درآمدهای نفتی، نظارت و نفوذ تعیین‌کننده داشت.

سیاست داخلی

دوران رهبری خامنه‌ای با چندین موج بزرگ اعتراضات داخلی همراه بود؛ از اعتراضات دانشجویی ۱۳۷۸ گرفته تا اعتراضات گسترده پس از انتخابات ۱۳۸۸ و سپس اعتراضات سراسری سال‌های پایانی دهه ۱۳۹۰ و اوایل دهه ۱۴۰۰، از جمله اعتراضات پس از مرگ مهسا امینی در سال ۱۴۰۱. در این دوره‌ها، حکومت با بازداشت‌های گسترده، محدودیت رسانه‌ای، قطع اینترنت و استفاده از نیروهای امنیتی و نظامی به سرکوب معترضان پرداخت. منتقدان سیاسی، فعالان مدنی و روزنامه‌نگاران بسیاری در طول این سال‌ها زندانی شدند. سیاست‌هایی چون حجاب اجباری، تفکیک جنسیتی و تأکید بر ایدئولوژی انقلابی نیز با حمایت مستقیم او ادامه یافت.

سیاست خارجی

خامنه‌ای سیاست خارجی جمهوری اسلامی را بر پایه تقابل ایدئولوژیک با ایالات متحده - که آن را «دشمن شماره یک» می‌نامید - و دشمنی با اسرائیل تعریف کرد. در چارچوب آن چه «محور مقاومت» خوانده می‌شود، جمهوری اسلامی از گروه‌هایی چون حزب‌الله لبنان، حماس، حوثی‌های یمن و دیگر نیروهای هم‌پیمان منطقه‌ای حمایت کرد.

او همواره تأکید داشت که برنامه هسته‌ای ایران اهداف صلح‌آمیز دارد و ساخت سلاح هسته‌ای را رد می‌کرد، اما در عین حال این برنامه را به ابزار چانه‌زنی و بازدارندگی در برابر فشارهای غرب تبدیل نمود. در برابر تحریم‌های گسترده آمریکا و اروپا، بر «مقاومت» و «تاب‌آوری» اقتصادی تأکید می‌کرد.

سال‌های پایانی و مسئله جانشینی

در سال‌های پایانی عمر، بحث جانشینی او به یکی از مهم‌ترین موضوعات سیاسی ایران تبدیل شد. از حلقه نزدیکان و چهره‌های ارشد نظام، از جمله احتمال نقش‌آفرینی مجتبی خامنه‌ای، به عنوان گزینه‌های بالقوه یاد می‌شد، اما او هیچ‌گاه جانشین رسمی خود را اعلام نکرد.

میراث و پیامدها

علی خامنه‌ای بیش از ۳۶ سال در راس قدرت باقی ماند و طولانی‌ترین دوره رهبری در خاورمیانه معاصر را رقم زد. او نماد تداوم ایدئولوژی انقلاب ۱۳۵۷، تمرکز قدرت در نهاد رهبری و تقابل پایدار با غرب بود.

در دوران او، جمهوری اسلامی از بحران‌های بزرگی چون جنگ، تحریم‌های فلج‌کننده، اعتراضات داخلی، درگیری‌های منطقه‌ای و تنش‌های مستقیم نظامی عبور کرد؛ اما این تداوم با هزینه‌های سنگین انسانی، اقتصادی و اجتماعی همراه بود.

کشته‌شدن او در سال ۲۰۲۶ نقطه عطفی تعیین‌کننده در تاریخ جمهوری اسلامی و معادلات قدرت در خاورمیانه محسوب می‌شود. آینده نظام سیاسی ایران پس از او و چگونگی انتقال یا تغییر ساختار قدرت، هم‌چنان با عدم قطعیت‌های جدی روبه‌رو است.

اما طرفداران او شوکه شده‌اند نبودنش را باور نمی‌کنند و حتی با کسانی که به‌خاطر مردنش خوشحالی کرده‌اند سر ستیز دارند. برخی از شهروندان از اصفهان و تهران گزارش داده‌اند که عده‌ای از نیروهای نظامی و بسیجی به مردمی که در حال شادی از مرگ او بودند، حمله کرده‌اند. برخی از چهره‌های نزدیک به سپاه نیز گفته‌اند «برید تو خیابون و هرکی رو دیدید شادی کرد از خجالتش در بیاید» و تهدید می‌کنند «گیر بیاریم زنده‌زنده می‌جوییم‌تون». یا در خیابان‌ها برخی در حمایت از خامنه‌ای تظاهرات کرده و می‌گویند «خامنه‌ای حسین این دوران است و ما در کنار او در برابر فرعون‌ی که آمریکا و اسرائیل نماینده آن هستند، می‌ایستیم.»

در مقابل برخی دیگر از چهره‌های سیاسی و رسانه‌ای ادعا می‌کردند مرگ خامنه‌ای صرفاً شایعه است. برادر عروس خامنه‌ای گفت: «ورود شخص ترامپ و نتانیاهو در عملیات روانی گسترده شایعه شهادت مقام معظم رهبری، تلاش برای فریب و کشاندن مخالفان نظام به خیابان هاست!» یا «حمید رسایی»، نماینده تهران گفت: «با اطلاع می‌نویسم که امام خامنه‌ای در صحت و سلامت کامل هستند» او تأکید می‌کند که علم این انقلاب به دست خامنه‌ای به امام‌زمان خواهد رسید. یا مدیر روابط عمومی دفتر خامنه‌ای تأکید کرد: «در شرایطی که دشمن آمریکایی-صهیونی زیر ضربات سنگین غیورمردان نیروهای مسلح قرار گرفته به جنگ روانی روی آورده است.»

اما این جنگ رسانه‌ای که مقامات و چهره‌های جمهوری اسلامی از آن حرف می‌زدند دیری نپایید تا معلوم شود اقدامی است که خودشان در پیش گرفته‌اند و حوالی ساعت ۵ صبح ایران، مجری صدا و سیمای جمهوری اسلامی با چشمانی گریان در مقابل دوربین قرار گرفت و گفت: «ملت بزرگ ایران روح بلند پیشوای ملت بزرگ ایران و پیش قراول امت اسلامی حضرت امام خامنه‌ای با نوشیدن شهد گوارای شهادت در ماه مبارک رمضان به ملکوت اعلا پیوست.» و طرفدارانش نوشتند: «شهادت بر او مبارک باد، پاداش یک عمر مجاهده برای او چیزی جز شهادت نباید می‌بود.»

خامنه‌ای در سال ۱۳۹۵ گفته بود آمریکایی‌ها می‌خواهند «وانمود کنند ملت ایران بر سر یک دوراهی قرار دارد و چاره‌ای ندارد جز این که یکی از این دو راه را انتخاب کند. آن دوراهی عبارت است از این که یا باید با آمریکا کنار بیایند، یا باید به‌طور دائم فشارهای آمریکا و مشکلات ناشی از آن را تحمل کنند.» او تأکید کرده بود که غربی‌ها می‌خواهند به ذهن نخبگان کشور این ایده را تزریق کنند که «یا باید در مقابل آمریکا و خواست‌های او در موارد بسیاری کوتاه بیاییم، یا باید فشارهای آمریکا را، تهدیدهای آمریکا را، ضررهای ناشی از مخالفت با آمریکا را تحمل کنیم.» از نظرش «معنای این حرف این است که جمهوری اسلامی از مسائلی اساسی‌ای که به حکم اسلام و به حکم برجستگی‌های نظام جمهوری اسلامی پایبند به آن‌ها است، صرف‌نظر کند.» اما راهی که او پیشنهاد کرده بود، مقاومت بود.

سیاست مقاومت تنها پیشنهاد او بود در برابر غرب بود و همه امکانات کشور را برای این ایده بسیج کرد تنها به دلیل این که به آمریکا اعتماد نداشت و مذاکره با آن‌ها را بی‌فایده می‌دانست و از «نفوذ» نگران بود. نفوذ ایده‌ای بود که او نه تنها برای سیاست بلکه برای فرهنگ هم داشت و مدام در مقابل آن به دنبال ساختن سد بود. از «شبیخون فرهنگی» می‌گفت و علیه روشنفکران موضع می‌گرفت. موضعی که در عمل باعث کشته شدن ده‌ها روزنامه‌نگار و نویسنده شد. او این نگاه تنگ نظرانه خود به فرهنگ را بعدتر به فضای مجازی گره زد و از لزوم جهاد تبیین در مقابل جنگ نرم دشمن گفت. خامنه‌ای همواره توهم آن داشت که غرب و آمریکا چه به واسطه سند ۲۰۳۰ یونسکو چه به واسطه سرمایه‌گذاری در ایران نفوذ می‌کنند. ترس او از نفوذ میل او برای مقاومت را افزایش داده بود.

در سال ۱۳۹۷ گفت: «همه ملت ایران بدانند؛ جنگ نخواهد شد و مذاکره نخواهیم کرد.» او افتخار می‌کرد به این که «جمهوری اسلامی هیچ جنگی را شروع نکرده» است و به جایش می‌گفت: «مقاومت» یعنی یک الگوی مبارزه‌ی پیگیر و همه‌جانبه در برابر «سازش» که «مسئله فلسطین را زنده» نگه می‌دارد، «مانع اساسی در برابر پروژه‌های صهیونیستی» ایجاد می‌کند و با «تحمیل جنگ فرسایشی» برنامه اصلی «رژیم صهیونیستی» که از سیطره بر کل منطقه است را ناکام می‌گذارد. در راستای این ایده بود که او با نیروهای سپاه در کشورهای مختلف منطقه به واسطه «محور مقاومت» نفوذ کرد.

خامنه‌ای در خرداد ۱۳۹۵ گفته بود علت اصلی فشارها و اتهام‌زنی‌های آمریکا و «استکبار» به جمهوری اسلامی، نه موشک و هسته‌ای و حقوق بشر، بلکه نپذیرفتن تبعیت از جبهه کفر و استکبار است؛ اگر ایران تبعیت را قبول می‌کرد، با همه این موضوعات هم کنار می‌آمدند و حتی نامی از حقوق بشر نمی‌آوردند. او اضافه می‌کند که طرف مقابل معمولاً این انگیزه را پنهان می‌کند، اما گاهی با اشاره به «ایدئولوژی» خود را لو می‌دهد؛ یعنی همان تفکر اسلامی استقلال طلب که زیر بار دشمن نمی‌رود. در عین حال تأکید می‌کند این رویکرد به معنای قطع رابطه با دنیا یا حصار کشیدن دور کشور نیست، بلکه یعنی ارتباط و مبادله با جهان همراه با حفظ هویت و شخصیت مستقل، با تکیه بر این ایده که «اگر مومن باشید، شما برترید.»

هدف عمده مقاومت او ایستادن در مقابل اسرائیل بود. مواجهه با اسرائیل ایده‌ای بود که او پیش از دوره ریاست جمهوری‌اش در سر داشت. وی زمانی که امام‌جمعه تهران بود گفته بود: «تا وقتی که این زخم متعفن، این غده چرکین در دل سرزمین‌های اسلامی و عربی به نام دولت غاصب اسرائیل وجود دارد، ما نمی‌توانیم احساس کنیم که پیروز شده‌ایم.» رسیدن به مقام رهبری در سال ۱۳۶۸ فرصتی برای وی بود که خواست خودش را دنبال کند. سپاه بازوی او برای

رسیدن به هدف بود. در سال ۱۳۹۲ خامنه‌ای خود را در چنان جایگاهی می‌دید که گفت: «اگر غلطی از آن‌ها (سردمداران رژیم صهیونیستی) سر بزند، جمهوری اسلامی «ل‌آویو و حیفا را با خاک یکسان خواهد کرد.» آن‌ها چندین بار به مواضع ایران حمله کردند اما او هرگز به وعده‌اش عمل نکرد. خرداد سال ۱۴۰۴ وی به آن جنگی که با اسرائیل می‌خواست دست یافت، تلفات بسیاری متحمل شد ولی در تیرماه ۱۴۰۴ گفت: «رژیم صهیونی با آن همه هیاهو، با آن همه ادعا، در زیر ضربات جمهوری اسلامی تقریباً از پا درآمد و له شد.» حالا آن نظامی که او می‌گفت «له» شده، روز ۹ اسفند به زندگی او که شمع هزاران زندگی را با تصمیماتش خاموش کرده بود، پایان داد.

تقویت نقش سپاه پاسداران در نظام سیاسی ایران و سیاست خارجی کشور

خامنه‌ای از ابتدای حضورش در راس قدرت تأکید زیادی بر تقویت توانایی نظامی کشور داشت. او در سال ۱۳۶۹ تصمیم گرفت به فرماندهان سپاه پاسداران نیز مانند نیروهای ارتش درجات نظامی اعطاء کند.

از سوی دیگر نیروی قدس سپاه در دوران رهبری علی خامنه‌ای دامنه عملیات گسترده‌تری پیدا کرد. قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۶ از سوی علی خامنه‌ای به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد. وی از آن زمان تا سال ۱۳۹۸ که به دست نیروهای آمریکایی در نزدیکی فرودگاه بغداد کشته شد توانست نیروی قدس را به بازوی قدرتمند ایران در منطقه خاورمیانه تبدیل کند.

نقش آفرینی سپاه پاسداران و به ویژه سپاه قدس در سیاست خارجی در دوران وزارت محمد جواد ظریف در دولت حسن روحانی جنجال آفرین شد. وزیر امور خارجه ایران در فایلی صوتی که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ منتشر شد از اولویت «میدان» به معنای نقش سپاه پاسداران بر «دیپلماسی» در سیاست خارجی کشور انتقاد کرد.

سخنران وزیر امور خارجه ایران با واکنش تند علی خامنه‌ای روبرو شد. رهبر ایران سخنان وزیر امور خارجه را «مایه تعجب و تاسف» و «تکرار حرف‌های خصمانه دشمنان و آمریکا» دانست.

از دیگر نشانه‌های تقویت نقش و جایگاه سپاه پاسداران در دوران رهبری علی خامنه‌ای می‌توان به گزارش‌هایی اشاره کرد که از فعالیت‌های اقتصادی این مجموعه و پرونده‌های فساد مالی آن منتشر شده است. هرچند رهبر ایران در معهود مواردی که به این گزارش‌ها واکنش نشان داد آن‌ها را تبلیغات «دشمن» علیه جمهوری اسلامی و سپاه دانست. به عنوان مثال علی خامنه‌ای اواخر سال ۱۴۰۰ در واکنش به انتشار فایلی صوتی از روایت فساد مالی در سپاه پاسداران از آن به عنوان «لجن‌پراکنی» یاد کرد. رهبر ایران یک دهه قبل از آن در پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی در بانک صادرات گفته بود که ماجرا را «کش ندهید».

حوزه فعالیت و نفوذ سپاه پاسداران در دوره رهبری علی خامنه‌ای محدود به سیاست خارجی و اقتصاد نبود. گروهی از فرماندهان سپاه در اوج بحران‌های دوره اصلاحات در نامه‌ای به محمد خاتمی، رییس جمهوری وقت تهدید کردند که «کاسه‌ی صبرمان» به پایان رسیده و تحمل بیش از این را «در صورت عدم رسیدگی، بر خود جایز نمی‌دانیم.» نامه‌ای که در آن زمان تهدید رییس جمهوری به کودتا و سرنگونی دولتش تفسیر شد. سپاه پاسداران بعدها در عرصه سیاست نقش پررنگ‌تری پیدا کرد به طوری که در برخی از ادوار مجلس شمار زیادی از نمایندگان را اعضای پیشین سپاه تشکیل می‌دادند. تعداد وزرای سپاهی نیز در دولت‌های محمود احمدی‌نژاد و ابراهیم رئیسی کم نبود.

اعتراض‌های دی ۹۶ و آبان ۹۸؛ مواجهه خامنه‌ای با شکل جدیدی از اعتراض‌ها

نظام جمهوری اسلامی از ابتدای دوره دوم ریاست جمهوری حسن روحانی با شکل جدیدی از اعتراض‌های خیابانی روبرو شد که نقطه اوج آن حوادث آبان خونین سال ۱۳۹۸ بود. تفاوت موج اعتراض‌های خیابانی جدید با اعتراض‌های پیش از دهه ۱۳۹۰ (سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸) هم در بافت اجتماعی معترضان و هم در خواسته معترضان و دلیل شکل‌گیری تظاهرات بود.

تا قبل از دی‌ماه سال ۱۳۹۶ مرکز اعتراض‌ها اغلب تهران و شهرهای بزرگ بود اما نظام جمهوری اسلامی و رهبر آن در دی‌ماه ۱۳۹۶ با اعتراض‌هایی روبرو شد که مرکز اصلی آن حاشیه شهرهای بزرگ یا شهرهای کوچک و شهرستان‌ها بود.

آبان ۹۸؛ تسلیک به معترضان و تثبیت اقتدارگرایی مطلقه

نقطه عطف مواجهه علی خامنه‌ای با اعتراضات مردمی، در آبان ۱۳۹۸ رقم خورد. جرقه این اعتراضات با افزایش ناگهانی قیمت بنزین زده شد، اما شعارها به سرعت اصل نظام و شخص رهبر را هدف گرفتند. علی خامنه‌ای در واکنشی قاطع، معترضان را «شرار» نامید و دست نیروهای امنیتی را برای سرکوب همه جانبه باز گذاشت. در جریان این سرکوب که با قطع کامل اینترنت همراه بود، صدها نفر و بنا بر برخی گزارش‌ها هزار و ۵۰۰ نفر کشته شدند. این حادثه شکاف میان دهک‌های پایین جامعه و حاکمیت را به عمیق‌ترین حد خود رساند و نشان داد که رهبر دوم ایران، برای حفظ بقای نظام، ابایی از به‌کارگیری عریان‌ترین اشکال خشونت ندارد.

یک‌دست‌سازی حاکمیت؛ برآمدن دولت ابراهیم رئیسی

در ابتدای سده ۱۴۰۰، راهبرد علی خامنه‌ای از «همزیستی با دولت‌های نیمه‌مخالف» به «یک‌دست‌سازی کامل قدرت» تغییر یافت. با مهندسی گسترده انتخابات مجلس در سال ۱۳۹۸ و سپس انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ توسط شورای نگهبان، حتی چهره‌های با سابقه نظام همچون علی لاریجانی نیز ردصلاحیت شدند. نتیجه، پیروزی ابراهیم رئیسی بود؛ قاضی سابق و چهره‌ای کاملاً وفادار به رهبری که حضورش در راس قوه مجریه، به معنای پایان قطعی دوران رقابت‌های جناحی درون ساختار قدرت و آغاز عصر «حاکمیت یکپارچه» تحت نظر مستقیم بیت رهبری بود.

جنبش «زن، زندگی، آزادی»؛ جدی‌ترین چالش فرهنگی و سیاسی

در شهریور ۱۴۰۱، درگذشت مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد، جرقه وسیع‌ترین و طولانی‌ترین اعتراضات تاریخ جمهوری اسلامی را زد. این بار نوک پیکان حملات نه تنها سیاست‌های اقتصادی، بلکه زیربنای ایدئولوژیک نظام و شخص علی خامنه‌ای بود. شعار «مرگ بر دیکتاتور» در سراسر ایران طنین‌انداز شد. رهبر ایران این بار نیز با «دشمن‌محور» خواندن اعتراضات، آن را نقشه آمریکا و اسرائیل دانست. سرکوب خشن این جنبش و اعدام تعدادی از معترضان، اگرچه در کوتاه‌مدت خیابان‌ها را آرام کرد، اما اقتدار اخلاقی و مذهبی نظام را در میان نسل‌های جدید(نسل زد) به شدت تخریب کرد و به پدیده «نافرمانی مدنی» و فرو ریختن دیوار ترس منجر شد.

سیاست خارجی؛ «نگاه به شرق» و بن‌بست هسته‌ای

در سال‌های پایانی، علی خامنه‌ای با ناامیدی مطلق از غرب، دکترین «نگاه به شرق» را به طور جدی پیگیری کرد. تقویت روابط راهبردی با چین و روسیه، عضویت در پیمان شانگهای و گروه بریکس، تلاش‌هایی برای دور زدن انزوای بین‌المللی بود. با این حال، اصرار بر تداوم برنامه هسته‌ای و موشکی و همچنین حمایت نظامی از روسیه در جنگ اوکراین، ایران را در بن‌بست دیپلماتیک عمیقی قرار داد که نتیجه آن تورم بی‌سابقه و سقوط ارزش پول ملی بود. اتفاقی که بیش از هر زمان دیگری خشم مردم را برانگیخت و منجر به یکی از بزرگ‌ترین اتفاقات تاریخ جمهوری اسلامی شد. در پی بی‌ثباتی بی‌سابقه اقتصادی و سیاسی، هزاران نفر از مردم به خیابان‌ها آمدند و علیه جمهوری اسلامی و شخص علی خامنه‌ای شعار دادند. اتفاقی که بزرگ‌ترین شکاف میان مردم و حاکمیت را رقم زد.



بیانیه سپاه پاسداران

سپاه پاسداران جمهوری اسلامی در پی کشته‌شدن رهبرشان در بیانیه‌ای نوشت:

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و بسیج عظیم مردمی، برای دفاع از میراث گرانبه‌ای این رهبر معظم، قدرتمندانه راه مقتدای خود را ادامه خواهند داد و در مقابله با توطئه‌های داخلی و خارجی و مجازات درس آموز متجاوزان به میهن اسلامی ایستادگی خواهند کرد. پس از حملات گسترده هوایی اسرائیل و آمریکا به تهران، منابع اسرائیلی از کشته‌شدن علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، خبر داده‌اند. این ادعا اما بلافاصله از سوی مقام‌های ایرانی تایید یا تکذیب نشد. گزارش‌هایی از انتقال جسد خامنه‌ای و اطلاع‌رسانی به واشنگتن منتشر شد. بنیامین نتانیاهو نیز اعلام کرده که نشانه‌ها حاکی از آن است که خامنه‌ای «دیگر در قید حیات نیست.»

شورای موقت رهبری

طبق اصل ۱۱۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی، در صورت مرگ، کناره‌گیری یا عزل رهبر، مجلس خبرگان موظف است رهبر جدید معرفی کند. تا آن زمان، شورایی شامل رئیس‌جمهوری، رئیس قوه قضاییه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت، وظایف رهبری را موقتاً بر عهده می‌گیرد. در صورت ناتوانی یکی از اعضای شورا، فردی دیگر از سوی مجمع تشخیص مصلحت به جای او منصوب می‌شود. سپاه پاسداران پس از کشته‌شدن خامنه‌ای، وعده داد که سهمگین‌ترین عملیات تهاجمی ایران تا دقایقی دیگر آغاز می‌شود. اعضای شورای موقت رهبری تکمیل شدند: مسعود پزشکیان(رئیس‌جمهور)، غلامحسین محسنی اژه‌ای(رئیس قوه قضاییه) و آیت‌الله علیرضا اعرافی(فقیه شورای نگهبان). سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام کرد که اعرافی به‌عنوان عضو فقیه شورای نگهبان در این شورا انتخاب شده است. طبق اصل ۱۱۱ قانون اساسی، این شورای سه‌نفره تا تعیین رهبر جدید توسط مجلس خبرگان رهبری، وظایف رهبری را به‌طور موقت بر عهده دارد تا رهبری نظام بدون وقفه ادامه یابد.

با توجه به ترکیب شورای موقت رهبری متشکل از مسعود پزشکیان(رئیس‌جمهور با گرایش اصلاح‌طلبانه و تمایل به تعامل با غرب برای احیای برجام و کاهش تحریم‌ها، بر اساس احترام متقابل و تمرکز بر مسائل اقتصادی)، غلامحسین محسنی اژه‌ای(رئیس قوه قضاییه با دیدگاه‌های اصولگرایانه تندرو و ضدغربی،

تاکید بر مقابله با استکبار و سرکوب مخالفان)، و آیت‌الله علیرضا اعرافی (فقیه شورای نگهبان با رویکرد محافظه‌کارانه، پایبندی به ولایت فقیه و مقابله با غرب و وهابیت)، رویکرد کلی شورا را هم‌چنان ضدغربی می‌توان ارزیابی کرد؛ زیرا دو عضو اصولگرا (اژه‌ای و اعرافی) بر حفظ مواضع انقلابی و تقابل با غرب اصرار دارند و پزشکیان، با وجود تمایل به دیپلماسی، در اقلیت قرار گرفته و تحت فشار ساختار سنتی نظام، نمی‌تواند تغییرات اساسی ایجاد کند، به ویژه در شرایط بحرانی پس از کشته شدن خامنه‌ای و حملات خارجی که تمایل به نشان دادن قدرت را افزایش می‌دهد.

اهداف حملات اسرائیل و آمریکا در روز یک‌شنبه یکم مارس ۲۰۲۶ در ایران

در ساعات گذشته، مکان‌های زیر در ایران هدف حملات ارتش‌های آمریکا و اسرائیل قرار گرفتند.

***تهران: ستاد فاتب، ستاد فراجا، ستاد سپاه تهران، ستاد مشترک سپاه، ستاد کل نیروهای مسلح، صداوسیما، قرارگاه ثارالله، شهرک**

دقایقی، سازمان اطلاعات فراجا، دادگاه انقلاب

***مشهد: محدوده فرودگاه هاشمی نژاد، پایگاه سرکوب (محدوده حرم)**

***کرج: ساختمان مرکزی سپاه پاسداران در میدان سپاه**

***ارومیه: یادگاه‌های ارتش و سپاه**

***خوزستان: پایگاه چهارم شکاری دزفول**

***تبریز: پایگاه شکاری**

***گیلان: پدافند هوایی چوکا**

***انهدام قرارگاه ثارالله در قلب تهران توسط ارتش اسرائیل**

گزارش‌های منتشر شده از وقوع انفجارهای متعدد در نقاط مختلف تهران از جمله حوالی برج آزادی، مناطق جام جم، سهروردی، مصلی، سید خندان، ولنجک، ونک و خیابان شریعتی حکایت دارد. هم‌زمان با این انفجارها، آتش‌سوزی در برخی مناطق از جمله شریعتی گزارش شده و منابع محلی از «حمله سنگین» در حوالی ساختمان صدا و سیما در منطقه جام جم خبر داده‌اند.

خبر کشته شدن احمدی نژاد

به گزارش خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، بر اساس اطلاعات رسیده در پی حملات صورت گرفته به منطقه نارمک تهران که محل اقامت رییس جمهور سابق و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بود، احمدی نژاد به‌همراه محافظان خود کشته شده است.

محمود احمدی نژاد، ششمین رییس جمهور ایران و عضو کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۳۵ در روستای ارادان از شهرستان گرمسار به دنیا آمد و از یک سالگی به همراه خانواده خود به تهران مهاجرت کرد. او اولین استاندار استان اردبیل و شهردار تهران از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ نیز بود.

احمدی نژاد معترضین به نتایج انتخابات سال ۱۳۸۸ را «خس و خاشاک» نامید و در دوران ریاست جمهوری خود بارها هولوکاست، کشتار یهودیان در جنگ جهانی دوم را انکار کرد.

او هم‌چنین در سال ۱۳۸۵ و یک سال پس از آغاز اولین دور ریاست جمهوری‌اش سمیناری با نام «همایش هولوکاست، چشم انداز جهانی» برگزار کرد که در آن چهره‌های شناخته‌شده انکارکننده این واقعه تاریخی حضور داشتند.

واکنش‌های جهانی به حملات آمریکا و اسرائیل به ایران و کشته شدن خامنه‌ای

با گسترش دامنه تنش‌ها در منطقه، سپاه پاسداران از آغاز دور تازه‌ای از حملات به اسرائیل و پایگاه‌های آمریکا خبر داده و مدعی هدف قرار دادن پایگاه الحرییر در عراق شده است. امارات اعلام کرد صدها موشک و پهپاد ایرانی را رهگیری کرده، اما سقوط ترکش‌ها به خساراتی محدود در دبی و ابوظبی، از جمله آتش‌سوزی جزئی در برج‌العرب و آسیب به دو فرودگاه، انجامید. قطر نیز با احضار سفیر ایران به این حملات اعتراض کرد.

هم‌زمان با تهدید سپاه به جلوگیری از عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز، گزارش شده دست‌کم ۱۵۰ نفتکش در آب‌های خلیج فارس متوقف شده‌اند. در عمان نیز پس از گزارش حمله دو پهپاد به بندر دُقم و زخمی شدن یک کارگر خارجی، سفارت آمریکا از کارکنان خود خواست در محل امن بمانند.

در پی این تحولات و به دنبال حملات ایالات متحده و اسرائیل به جمهوری اسلامی و کشته شدن علی خامنه‌ای، موجی از واکنش‌های بین‌المللی در سطوح مختلف سیاسی و دیپلماتیک شکل گرفت. این واکنش‌ها از محکومیت صریح یک یا هر دو طرف تا دعوت به خویشترداری و گفت‌وگو متفاوت بوده است:

نهادهای بین‌المللی

سازمان ملل متحد تشدید درگیری‌ها در منطقه را محکوم کرد. آنتونیو گوتروش، دبیرکل این سازمان، با صدور بیانیه‌ای خواستار «توقف فوری درگیری‌ها و کاستن از تنش‌ها» شد و هشدار داد که ادامه حملات، صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازد. فولکر تورک، کمیسر حقوق بشر سازمان ملل نیز تأکید کرد که تداوم حملات تنها به «مرگ، نابودی و بدبختی انسان‌ها» منجر خواهد شد.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با دعوت از همه طرف‌ها به خویشتن‌داری اعلام کرد که تاکنون «هیچ شواهدی از انتشار مواد رادیواکتیو» مشاهده نشده است. ماریانا اسپولیا ریچ، رییس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ هم هشدار داد که افزایش اقدامات نظامی در خاورمیانه می‌تواند یک «واکنش زنجیره‌ای خطرناک» در سراسر منطقه ایجاد کند که پیامدهایی ویرانگر خواهد داشت.

اتحادیه آفریقا نیز با تأکید بر ضرورت «خویشتنداری و از سرگیری گفت‌وگو»، اعلام کرد که ادامه درگیری ممکن است بر ثبات این قاره نیز تأثیر بگذارد.

اروپا

اتحادیه اروپا حملات موشکی ایران به امارات متحده عربی را محکوم کرد. اورسولا فون‌درلاین، رییس کمیسیون اروپا، این حملات را «نقض آشکار حاکمیت ملی» امارات و تخطی از قوانین بین‌المللی خواند. کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، نیز وزیران خارجه این بلوک را برای نشست اضطراری در روز یکشنبه فراخواند.

بریتانیا، فرانسه و آلمان ضمن تأکید بر اینکه در حملات آمریکا و اسرائیل نقشی نداشته‌اند، اقدامات تلافی‌جویانه تهران را محکوم کردند. لندن نسبت به خطر گسترش درگیری به سطحی منطقه‌ای هشدار داد و امانوئل مکران، رییس‌جمهور فرانسه، خواستار پرهیز از «تشدید خطرناک» تنش‌ها شد.

در مقابل، وزیر خارجه نروژ اقدام نظامی پیش‌گیرانه را تنها در صورت وجود تهدید فوری قابل توجیه دانست و حملات اسرائیل به ایران را ناقض قوانین بین‌المللی خواند.

روسیه حملات آمریکا و اسرائیل به ایران را محکوم کرد و هشدار داد که این اقدامات می‌تواند منطقه را به سمت «فاجعه‌ای انسانی، اقتصادی و حتی هسته‌ای» سوق دهد.

اوکراین موضعی متفاوت اتخاذ کرد. ولودیمیر زلنسکی، رییس‌جمهور این کشور، گفت این تحولات می‌تواند فرصتی برای مردم ایران باشد تا «رژیم تروریست حاکم در تهران» را ساقط کنند.

خاورمیانه

در میان کشورهای منطقه، واکنش‌ها دوگانه بود.

قطر به‌عنوان میزبان پایگاه العُبدید، بزرگ‌ترین پایگاه نیروهای آمریکایی در خاورمیانه، ضمن محکوم کردن حملات موشکی ایران به خاکش، هشدار داد که «حق پاسخگویی به این حملات را به‌شکل کامل برای خود محفوظ می‌داند.»

مصر حملات ایران به کشورهای عربی منطقه را به‌شدت محکوم کرد و نسبت به «خطرات جدی» برای امنیت و ثبات این کشورها هشدار داد. دولت اردن ضمن تشویق همه طرف‌ها به کاستن از تنش‌ها، هشدار داد که «با تمام قوا و امکاناتش، از منافع پادشاهی» دفاع خواهد کرد. سخنگوی دولت اردن یادآوری کرد که کشورش، بخشی از این درگیری‌ها نیست.

ترکیه هر دو طرف را مورد انتقاد قرار داد. رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهور ترکیه، در نطقی تلویزیونی گفت از حمله آمریکا و اسرائیل به ایران «آزرده‌خاطر» است، اما حملات موشکی و پهپادی ایران به کشورهای حوزه خلیج فارس را نیز «غیرقابل قبول» توصیف کرد و خواستار اقدام جهان اسلام برای جلوگیری از گسترش بحران شد.

در لبنان، نواف سلام، نخست‌وزیر این کشور، پس از اعلام حملات تازه اسرائیل به مواضع حزب‌الله، تأکید کرد که پای لبنان به جنگ کشیده نخواهد شد. در عرصه فلسطینی نیز اختلاف موضع دیده شد: گروه افراطی حماس اقدام آمریکا و اسرائیل علیه تهران را «تجاوز» خواند و آن را حمله‌ای مستقیم به کل منطقه دانست، اما تشکیلات خودگردان فلسطینی حملات ایران به کشورهای عربی را محکوم و بر احترام به حاکمیت ملی کشورها تأکید کرد. این تشکیلات بدون اشاره به حملات آمریکا و اسرائیل به ایران، «هرگونه خدشه وارد شدن به حاکمیت ملی و یا تجاوز به آن از سوی هر یک از طرفین درگیری» را مردود دانست.

آسیا و اقیانوسیه

چین با تأکید بر ضرورت احترام به حاکمیت و یکپارچگی سرزمینی ایران، خواستار «توقف فوری اقدامات نظامی» شد.

هند نیز بر اهمیت احترام به حاکمیت کشورها تأکید کرد و خواستار بازگشت به گفت‌وگو و دیپلماسی شد.

در اقیانوسیه، نیوزیلند خواهان از سرگیری مذاکرات و احترام به قوانین بین‌المللی شد و رهبری ایران را به دنبال کردن راه‌حلی مبتنی بر مذاکره تشویق کرد. در استرالیا، نخست‌وزیر این کشور پس از تأیید مرگ علی خامنه‌ای گفت «کسی برای او سوگواری نخواهد کرد»، موضعی که از صریح‌ترین واکنش‌های سیاسی در این زمینه بود.

آفریقا

در آفریقا، سیریل رامافوسا، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی، حملات اسرائیل و آمریکا را ناقض قوانین بین‌المللی دانست و گفت که دفاع پیش‌دستانه بر پایه «فرضیات و احتمالات» قابل توجیه نیست.



هشدار سازمان‌های دریانوردی برای تردد در تنگه هرمز؛ «خلیج فارس مسیر یک طرفه شده است»

در پی درگیری بی‌سابقه نظامی در منطقه و حملات متقابل ایران، اسرائیل و آمریکا، گزارش‌های سازمان‌های دریانوردی نشان می‌دهد که در تنگه هرمز وضعیت اضطراری برقرار شده است. طبق آخرین داده‌های راداری، ترافیک دریایی در تنگه هرمز به شکلی بی‌سابقه تغییر کرده و عملاً به یک مسیر «یک‌طرفه برای خروج» تبدیل شده است. همچنین در پی حملات ایران به کشورهای حاشیه خلیج فارس، فعالیت‌ها در برخی بنادر این کشورها متوقف شده است.

«جیکوب لارسن»، مدیر امنیتی انجمن بین‌المللی بیمکو Bimco، با صدور بیانیه‌ای هشدار داد که ریسک شناسایی اشتباه کشتی‌های تجاری به جای اهداف نظامی به شدت افزایش یافته است. وی تأکید کرد که کشتی‌های مرتبط با ایالات متحده و اسرائیل در صدر لیست اهداف احتمالی قرار دارند و به تمامی شناورها توصیه شده است که یا در آب‌های سرزمینی کشورهای بی‌طرف پناه بگیرند و یا فوراً منطقه را ترک کنند.

مرکزی نیروی دریایی آمریکا نیز با صدور اطلاعیه‌ای رسمی، کل پهنه خلیج فارس، دریای عمان و شمال دریای عرب را «منطقه هشدار نظامی» اعلام کرد. این اقدام که به منظور تفکیک کشتی‌های غیرنظامی از فعالیت‌های جنگی صورت گرفته، عملاً تردد ایمن را برای ناوگان تجاری جهان غیرممکن ساخته است.

کارشناسان معتقدند که در صورت تداوم این وضعیت، انسداد غیررسمی تنگه هرمز توسط ایران و نیروهای منطقه‌ای می‌تواند زنجیره تأمین انرژی جهان را با شوکی جبران‌ناپذیر مواجه کند. در حال حاضر، تمامی نگاه‌ها به واکنش بازارهای جهانی نفت در ساعات آینده دوخته شده است.

ایسنا، نوشته است: گزارش داده‌های کشتیرانی نشان می‌دهند هم‌زمان با تشدید جنگ آمریکا و دولت اسرائیل علیه ایران، دست کم ۱۵۰ نفتکش در آب‌های خلیج فارس در خارج از تنگه هرمز لنگر انداخته‌اند.

داده‌های کشتیرانی در روز یک‌شنبه نشان می‌دهد که دست کم ۱۵۰ کشتی شامل نفتکش‌های حامل نفت خام و گاز طبیعی مایع در آب‌های آزاد خلیج فارس و در خارج از تنگه هرمز لنگر انداخته‌اند. همچنین ده‌ها کشتی دیگر در سوی دیگر این گلوگاه دریایی بدون حرکت متوقف شده‌اند.

برآوردهای رویترز بر اساس داده‌های رهگیری کشتی‌ها از پلتفرم «مارین ترافیک» نشان می‌دهد این نفتکش‌ها در آب‌های آزاد در سواحل کشورهای اصلی تولیدکننده نفت خلیج فارس از جمله عراق و عربستان سعودی و همچنین قطر که از تولیدکنندگان بزرگ گاز طبیعی مایع محسوب می‌شود، متمرکز شده‌اند.

تحلیل‌گران بارها به دولت آمریکا هشدار داده بودند که جنگ با ایران تأثیر چشم‌گیری بر بازار نفت خواهد داشت.



علی خامنه‌ای و فرماندهان سپاه پاسداران

نتیجه‌گیری

هنوز آینده جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران و این که تا کی ادامه خواهد یافت و چه ابعادی تازه‌ای به خود خواهد گرفت روشن نیست. در حال حاضر، حتی آینده جامعه ایران نیز در سایه جنگ قرار دارد. در طول بیش از سه دهه رهبری، علی‌خامنه‌ای با تمرکز تدریجی قدرت در نهاد رهبری، توازن میان نهادهای مختلف نظام را بر هم زد. دولت‌ها و مجلس‌ها، حتی زمانی که با رای بالا انتخاب شدند، به‌مرور نقش اجرایی و تصمیم‌ساز خود را از دست دادند و مراکز اصلی تصمیم‌گیری به حلقه‌ای محدود و غیرانتخابی منتقل شد. هم‌زمان، نهادهای امنیتی و نظامی به‌ویژه سپاه پاسداران، حضوری فزاینده در سیاست، اقتصاد و رسانه پیدا کردند؛ روندی که به گفته منتقدان دورن حکومتی، هم رقابت سالم اقتصادی را تضعیف کرد و هم فضای سیاسی کشور را امنیتی و بسته‌تر ساخت.

در عرصه سیاست خارجی نیز، تاکید مداوم بر رویکرد تقابلی و شعار «مقاومت» بدون طراحی یک استراتژی خروج مشخص، هزینه‌های سنگینی بر کشور تحمیل کرد. ادامه تنش با آمریکا و غرب، ایران را در معرض تحریم‌های گسترده و فرساینده قرار داد که پیامدهای آن به‌طور مستقیم بر اقتصاد و زندگی روزمره مردم اثر گذاشت. در کنار این‌ها، شکاف فزاینده میان حاکمیت و جامعه، به‌ویژه نسل‌های جوان، یکی دیگر از میراث‌های دوران رهبری خامنه‌ای بود؛ نسلی که مطالبات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی‌اش اغلب نادیده گرفته شد و با زبان امنیتی پاسخ گرفت.

به این ترتیب، خامنه‌ای به مرور زمان دیکتاتوری فردی خود را، البته با حمایت همه‌جانبه سپاه پاسداران در هسته سخت حاکمیت جا انداخته بود. دیکتاتور در تعاریف علوم سیاسی به کسی گفته می‌شود که قدرت سیاسی را به‌طور متمرکز و بدون محدودیت قانونی در دست دارد و می‌تواند تصمیمات کلان کشور را بدون پاسخ‌گویی به هیچ نهادی اتخاذ کند.

حکومت‌هایی که نمادهای دمکراتیک مانند انتخابات، تفکیک قوا و فعالیت احزاب را دست‌کم «در شکل» حفظ کرده‌اند اما هم‌چنان همه تصمیمات توسط یک نفر یا یک گروه کوچک اتخاذ می‌شود نیز جزو نظام‌های دیکتاتوری شمرده می‌شوند؛ زیرا بار دیگر نتایج بحث‌ها و رای‌گیری‌ها عمدتاً از پیش تعیین شده هستند، مخالفان سیاسی و رسانه‌ها و سازمان‌های مدنی سرکوب می‌شوند، و زبان پاسخ به اعتراضات مردمی هم‌چنان سرکوب است.

آینده سیاسی ایران را نمی‌توان صرفاً در جلسات مجلس خبرگان یا فرماندهان سپاه جست‌وجو کرد؛ چرا که متغیر مداخله خارجی اکنون بیش از هر زمان دیگری پتانسیل انحراف مسیر تحولات داخلی را دارا شده است. این سناریو بر این فرض استوار است که بازیگران بین‌المللی، به‌ویژه ایالات متحده و اسرائیل، تحولات ناشی از خلاء قدرت را به‌عنوان یک متغیر فرصت‌آفرین یا بازتنظیم‌کننده موازنه منطقه‌ای ارزیابی کنند. در این چارچوب، فشار خارجی از حالت انفعالی خارج شده و به شکلی تهاجمی و چندلایه، هم‌زمان با بحران جانشینی، قلب تپنده سیستم را هدف قرار می‌دهد تا فرآیند انتقال قدرت را پیش از آنکه آغاز شود، دچار انسداد سازمانی کند.

در نهایت، مسیر تحولات ایران در دوران پساخامنه‌ای، بیش از هر عامل دیگری به چهار متغیر وابسته خواهد بود: سرعت اجماع در مجلس خبرگان، میزان انسجام در زنجیره فرماندهی نیروهای مسلح، و شدت شوک‌های اقتصادی یا مداخله خارجی. چهارم و مهم‌تر از همه، اتحاد و همبستگی جنبش‌های اجتماعی ایران و همه نیروهای آزادی‌خواه و بیان علنی اهداف و برنامه‌های آتی خود، می‌تواند این کشتی در حال غرق جامعه ایران را به ساحل امن برساند در غیره این صورت، هر کدام از سه سناریو اجرایی شود و دست بالا را بگیرد نه تنها درد و غم، سرکوب و کشتار، فقر و فلاکت در جامعه ایران فروکش نخواهند کرد بلکه به سرعت بیش‌تری جامعه به‌سوی یک باتلاق عمیق‌تر سوق خواهند داد.

چگونگی پایان یافتن عمر دیکتاتوری‌ها در ۵۰ سال اخیر متفاوت بوده است؛ پایانی که گاه با مداخله خارجی رقم خورده مردم به سعادت و خوشبختی و آزادی نرسیده‌اند و چه بسار وضع‌شان بهتر شده است. کافی است که نیم‌نگاهی در مرزهای ایران به عراق و افغانستان و کمی دورتر سوریه و لیبی ببینانزیم به سادگی متوجه می‌شویم که مردم این کشورها دهه‌هاست در نامنی و تروریسم و بی‌حقوقی مطلق به‌سر می‌بند و هیچ‌گونه احساس امنیتی جانی و مالی نمی‌کنند. به همین دلیل، طبیعی‌ست که جنبش‌های اجتماعی و نیروهای چپ و آزادی‌خواه ایران خواهان قطع فوری جنگ و عدم دخالت خارجی در تحولات ایران شوند و هم‌زمان با اتحاد و همبستگی این حکومت ضدبشر را از مسیر راه پیشروی خود بردارند و جامعه آزاد و برابر و انسانی دل‌خواه خودشان را بسازند!

یکشنبه دهم اسفند ۱۴۰۴ - یکم مارس ۲۰۲۴